

مؤلفه‌های شکل‌گیری عدالت در تمدن نوین اسلامی و جایگاه آن در زمینه سازی جامعه مهدوی(عج)

رسول محمدجعفری
عضو هیات علمی دانشگاه شاهد

Email: rasulmohamadjafari@yahoo.com

چکیده

در طول تاریخ بشریت همواره انسان‌ها از نابرابری‌ها و تبعیض‌ها رنجور بوده و از عمق جان تمنای مساوات و برابری داشته‌اند، در این بین غالب تمدن‌های بشری - از دیر باز تا کنون - به وسیله زمامداران و حاکمان ستم‌پیشه و مساوات‌ستیز هدایت شده‌اند. این رویه با طلوع خورشید اسلام دگرگون گردید و یکی از محوری‌ترین شعارها و اقدامات این آیین و پیامبرش، در برافراشتن تمدن عظیم اسلامی برقراری مساوات در جامعه بود. پس از افول حیات مبارک پیامبر(ص)، جامعه اسلامی به قهقری رفت و از نو تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در چهره‌های گوناگون رخ برنمود و تمدن نوپای اسلامی در طول حیات هزار و پانصد ساله خود کم و بیش گریبان‌گیر این معضل بوده است، لذا احیای این اصل در پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی و آماده‌سازی جهت شکل‌گیری مدینه فاضله مهدوی(عج)، ضروری بوده و این سؤال را مطرح خواهد کرد که مؤلفه‌های شکل‌گیری مساوات در تمدن نوین اسلامی و جایگاه آن در زمینه‌سازی جامعه مهدوی(عج) کدام هستند؟ این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی، از نوع تحلیل مفهومی صورت پذیرفته و هدف آن تبیین مؤلفه‌های شکل‌گیری مساوات میان انسان‌ها در تمدن نوین اسلامی و جامعه مهدوی(عج) از منظر آیات و روایات می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش بیان‌گر تحقق نظیر به نظیر آن مؤلفه‌ها در تمدن نوین اسلامی و جامعه مهدوی(عج) - از طلوع ظهور تا برپایی آرمان‌شهر مهدوی(عج) - می‌باشد.

کلیدواژه: مساوات، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، عصر ظهور، جامعه مهدوی(عج)

مقدمه

یکی از مهمترین مسائلی که همواره گریبان گیر جوامع بوده و توده مردم از فقدان آن رنجور بوده اند، اصل بی بدیل مساوات می باشد. از دیرباز مدعیان تمدن و صاحبان زور و زر و تزویر با اعمال فشار بر طبقه محروم- که در اکثریت قرار داشتند- آنان را از دستیابی به حداقل حقوق انسانی خود ناکام می گذاشتند. در بسیاری موارد مستمسک استثمار پیشه گان، پست انگاری جایگاه اجتماعی، نژاد، قومیت و ملیت مستضعفان بوده است؛ شواهد تاریخی- چنان که خواهد آمد- گواه این حقیقت می باشد و سوگمندها در نظریات برخی اندیشمندان نیز تأییداتی دیده می شود؛ چنان که «ارسطو در باب اختلاف نژادها برخی را مستحق برده داشتن و برخی را مستحق برده شدن می دانست» [۱].

شهید مطهری در تبیین علت عدم تأثیر جدی برخی نژادها در تمدن ها می نویسد: «این یک مسئله قابل بحث است که آیا نژادها «عقب نگه داشته شده» هستند یا «عقب مانده»؟ خیلی فرق است که اینها از نظر طبیعی عقب مانده باشند یا عقب نگه داشته شده. ظاهراً این نظر، از نظر کلی هیچ قابل قبول نیست که کسی بیاید تفاوتی تا آن حد برای نژادها قائل باشد که بعضی نژادها اساساً به هیچ وجه، تمدن ساز و فرهنگ ساز نیستند و فقط قدرت اقتباس و تقلید را دارند و نه چیز دیگر (و بعضی دیگر تمدن ساز و فرهنگ ساز هستند)» [۲].

بنابراین عدم رعایت برابری و مساوات میان همه مردم، از عمده علل زوال تمدن ها بوده است و موجب گردیده که در در طول زمان بسیاری از استعدادها و توانمندی های مردمان تحت فشار یوغ تبعیض فرصت شکوفایی نیابند و با مرگ آنان انبوهی از قریحه ها در سینه خاک دفن گردیده و در طی قرون متمادی جوامع بشری از شکل گیری یک تمدن متعالی باز بمانند. ظهور اسلام نوید بخش شکل گیری تمدنی متفاوت بود، اما دیری نپایید که به آفت ها و آسیب هایی دچار شد که از شتاب خود بازماند و مدت ها است که اندیشمندان دلداده به این مکتب تمدن ساز، انتظار تمدن نوین اسلامی را می کشند که این به نوبه خود زمینه ساز شکل گیری مدینه فاضله مهدوی (عج) می باشد و گمان آن می رود، برابری و مساوات نقشی سترگ در این راه داشته باشد، از این روی این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که: مؤلفه های شکل گیری مساوات در تمدن نوین اسلامی و جایگاه آن در زمینه سازی جامعه مهدوی (عج) کدام هستند؟

بررسی ها نشان می دهند که ظاهراً پژوهش مستقلی با این رویکرد سامان نیافته است، لذا این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی انجام خواهد پذیرفت. جامعه تحقیق متنی است و شامل متن آیات قرآن و روایات بر اساس سوال تحقیق است. نمونه تحقیق متنی برابر با جامعه تحقیق است که شامل آیات قرآن با بهره گیری از تفاسیر و جوامع روایی شیعه و اهل سنت، بر اساس سوال تحقیق می باشد. ابزار تحقیق فیش است. شیوه تحلیل داده ها بدین صورت است که ابتدا مؤلفه های ایجاد مساوات از آیات و روایات استخراج گردیده، سپس نقش آن ها در شکل گیری تمدن نوین اسلامی تحلیل شده و آن گاه جایگاه هر یک آن ها در جامعه مهدوی (عج) مقارن با طلوع ظهور و پس از ظهور تبیین می گردد.

یافته های تحقیق

این عنوان که متکفل پاسخ به سؤال پژوهش می باشد، ابتدا تحت سه عنوان مقدماتی اجمالاً به بررسی جایگاه مساوات در

تمدن ها و تمدن اسلامی پرداخته است، این عناوین عبارتند از: ۱- جایگاه مساوات در تمدن ها، ۲- ظهور تمدن اسلامی با محوریت مساوات، ۳- نگاهی گذرا به چالش نابرابری در تمدن اسلامی؛ از رحلت پیامبر(ص) تا زمان معاصر، سپس تحت عنوان اصلی این پژوهش: «مؤلفه های شکل گیری برابری و مساوات در تمدن نوین اسلامی و جامعه مهدوی(عج)»، سؤال پژوهش را واکاویده است.

جایگاه مساوات در تمدن ها

شاید بتوان بدون اغراق مدعی شد که در تمام تمدن های بشری، عدم توجه به حقوق یکسان انسان ها و تبعیض میان اقوام و نژادهای گوناگون، اصلی خدشه ناپذیر بوده است، در ادامه نمونه وار به مواردی چند اشاره می رود:

أ- «در سینه های^۱ یونان افراد یک نژاد و قبیله معتقد بودند که از جد واحد که بانی سینه است یا یک حیوان مورد پرستش یا یک خدا به وجود آمده اند و سایر قبایل را به عنوان نژاد ناپاک، کافر یا پست تر تحقیر می کردند. در نظام ملی و اجتماعی یونان باستان مردم هر سینه ای به سه گروه متمایز از هم تقسیم می شدند که از لحاظ سیاسی و حقوقی با هم تفاوت داشتند: طبقه غلامان، طبقه خارجیان، طبقه اتباع»[۳].

ب- «در رم، چه بسا افراد لایق، با استعداد و شایسته ای در میان فقرا که لیاقت احراز جایگاه نمایندگی، قضاوت و حکومت را داشتند، اما به مقتضای نظام طبقاتی و حکومت اشرافی «طبقه اعیان و نجبا» به آنان اجازه تصدی چنین مقاماتی را نمی دادند، مردم رم باستان نیز به چهار دسته تقسیم می شدند: اشراف، شوالیه ها، بردگان و طبقه متوسط»[۴].

ج- در تمدن عظیم ایران نیز وضع بدین گونه بوده است، چه این که «ایران ساسانی، ایران اشکانی و حتی ایران هخامنشی یک جامعه طبقاتی بوده است»[۵]. «اجتماع ایرانی در زمان هخامنشیان به چهار طبقه تقسیم می شد: روحانیون، سپاهیان، کشاورزان و صنعتگران. افراد نژاد آریایی (ایرانیان اصیل) سه شغل اول را انتخاب می کردند و تجارب و صنعت را جزء حرفه های پست و درخور افراد نژاد پست و غیر ایرانی می دانستند»[۶].

د- «در اواخر قرن هفتم (ق.م) که آریایی ها سراسر دره گنگ را تحت قبضه خود درآوردند، چندین تشکل و سازمان اجتماعی در آنجا به ظهور رسید. قوم مغلوب-که به بشره گندم گون و چهره تیره موصوف بودند- تحت یوغ استیلای آریایی ها قرار گرفتند. چهار صنف متمایز و یا چهار گروه اجتماعی جداگانه صورت تشکیل یافت؛ آن ها عبارت بودند از: کشریه یا طبقه امرا و شاهزادگان، برهمنان یا طبقه روحانیون، و سیه ها یعنی طبقه عامه آریایی نژاد(کشاورزان و صنعتگران) و طبقه مغلوب و قوم غیر آریایی بودند که آن ها را شوره ها می نامیدند؛ یعنی سیاه پوستان غیر آریایی. آن سه طبقه اول - که همه از ریشه و بن آریایی (نجیب) صرف بودند- پیوسته خود را از طبقه چهارمین جدا و دور می گرفتند و مسأله رنگ بشره که به سانسکریت «وارنا»^۲ گویند. اهمیت اساسی در اجتماع حاصل نمود. نه تنها مسأله مزاجت و آمیختگی نوعی و یا رنگی با نوع و رنگ دیگر در اجتماع حرام شناخته شد، بلکه آمیزش و نشست و برخاست و هم سفره شدن با همدیگر نیز ممنوع گردیده و طبقات عالی

۱- مقصود از سینه - Cite - شهر و ولایتی است که دارای تشکیلات اجتماعی و فرهنگی مخصوص به خود می باشد.[۷].

۲- کلمه ای است که بر طبقه اجتماعی - کاست- نیز اطلاق و معمول گردید.[۱۵]

آریایی سعی می‌کردند که خون خود را پاک و مصفا نگاه دارند[۸]. با ظهور بودیزم در هند جامعه طبقاتی برجسته شد لیکن شرط آن ورود در این مسلک بود؛ از این روی بودیزم نیز به تساوی ذاتی میان انسان‌ها اعتقاد نداشت و فقط پیروان خود را یکسان می‌انگاشت[۹].

گمان می‌رود بر این اساس این پیشینه تمدن‌ها است که از اواخر قرن هجده میلادی در کشورهای اروپایی تلاش برای علمی کردن فرضیه‌های نژادی - فرضیه‌هایی که در قرون گذشته به صورت شفاهی در میان مردم اروپا رایج بود - آغاز شد و سپس به سایر نقاط جهان توسعه یافت[۱۰]. ارائه‌کنندگان فرضیه‌های نژادی در سده‌های هجده و نوزده میلادی در اروپا - به رغم اختلاف نظر در باب مسأله خلقت انسان - انسان‌ها را دارای نژادهای مختلف با مشخصات خاص جسمانی دانسته و این تفاوت را به فکر و فرهنگ تعمیم داده و بر این اساس انسان‌ها را به نژادهای برتر و پست‌تر، زبرین و زیرین رده‌بندی کردند. واضعان فرضیه‌های نژادی با تعمیم فرضیات خود به جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و بررسی‌های تاریخی که بررسی دوران باستان، تاریخ جهان، سرزمین‌ها و اقوام ناشناخته را دربرمی‌گرفت به این نتیجه می‌رسیدند که نژاد سفید (اروپایی)؛ گاهی تمام و گاهی بخشی از آن) پایه‌گذار تمدن، مشعل‌دار و حافظ تمدن در جامعه بشری بوده و هست[۱۱].

ظهور تمدن اسلامی با محوریت مساوات

ملت‌ها و تمدن‌های کهن - که به برخی از آن‌ها اشاره رفت - جوامعی پیشرفته و مترقی بودند اما عرب حجاز و مقارن با ظهور اسلام تقریباً تهی از تمدن بود و شاید عمده دلیل بازماندگی و واماندگی آنان، روحیه تعصب قبیله‌ای شدید و گریز از یکپارچگی و انسجام ملی بود؛ احمد امین مصری می‌نویسد: عرب‌ها در جاهلیت احساس نیرومندی نسبت به ملیت خود نداشتند و احساسات فردی و قبیله‌ای بر آنان حکم فرما بود. اگر به اشعار صحیح جاهلی رجوع کنیم غلغه قبیله‌ای را فراوان درمی‌یابیم، آنان قبیله را مدح کرده، سرود پیرویش را سراییده، محاسنش را برشمارده و به نفع قبیله خود، قبیله دیگر را هجو می‌کردند[۱۲]. شیوه زندگانی آنان بر این مَثَل مبتنا داشت: «أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» (برادرت را چه ظالم باشد و چه مظلوم یاری کن)[۱۳]. تعلیم و تعلم انساب قبل و بعد از اسلام در میان عرب دلیل دیگری بر این روحیه عرب است؛ آنان علم انساب را می‌آموختند تا بر یک دیگر فخر بفروشنند، اظهار تنفر کنند و عیوب یک دیگر را نمایان کنند[۱۴].

در این حیص و بیص نسیم شکل‌گیری تمدن اسلامی آغازیدن گرفت، آیات، روایات و تاریخ اسلام گواه این واقعیت است که رسول خدا(ص) با نهادینه کردن اصل ثابت مساوات انسانی، توانست تمدن اسلامی را در جامعه آن روز پایه‌گذاری کند. با ظهور اسلام بسیاری از ضد ارزش‌ها که ارزش می‌نمود، رو به افول نهاد و استقرار و پیشرفت گسترده حاکمیت اسلامی خط بطلانی بود بر همه دیدگاه‌هایی که پیشبرد رو به جلوی جوامع و تأسیس تمدن‌ها را در انحصار گروه خاص و محدودی می‌دانستند و اکثریت را از چنین صلاحیتی بیگانه می‌پنداشتند.

رسول خدا(ص) در اندک زمانی به پایه‌ریزی و برافراشتن بنای عظیم تمدن اسلامی نائل آمد، در دستیابی به این موفقیت بی‌نظیر بردگان - که مطرودان جامعه و حقیرترین افراد بودند - نقشی غیر قابل انکار ایفا کردند؛ سلمان فارسی، صهیب رومی و بلال حبشی جملگی از بردگان آزاد شده بودند که از نظر عرب آن روز نژاد پستی داشتند اما اسلام بستری را برای آنان فراهم

آورد که توانستند در ردیف صحابه ممتاز پیامبر(ع) و مهتران جامعه قرار گرفته و هر یک چنان جایگاه و نقشی عهده دار گردند که کمتر کسی از صحابه برخوردار بود.

از این روی است که شهید مطهری می نویسد: تحقیقات تاریخی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که همه نژادهای بشری، در صورت حضور در شرایط اجتماعی و اخلاقی معین، می‌توانند از تمام خصوصیات انسانی برخوردار شوند؛ چنان که قبل از اسلام مجمعی از تعصبات و نزاع و ستیزهای قبیله‌ای و خرافات محصول این تعصبات بودند ولی با ظهور اسلام و ارمغان‌های اخلاقی و سنت‌های انقلابی و توحیدی و عدالت اجتماعی که به ایشان داد، همان خصوصیات را یافتند که از متمدن‌ترین و راقی‌ترین جامعه‌های انسانی انتظار می‌رود. اگر بعد از زمانی باز خصوصیات نژادی سابق آن‌ها شروع به خودنمایی و ظهور و بروز کرد، به سبب سستی گرفتن همان شرایط اخلاقی و سنت‌های اجتماعی توحیدی و اسلامی بود و این حاکی از آن است که مختصات نژادی اصالت دائمی و لایزال ندارند، بلکه تحت شرایط اجتماعی و اخلاقی دیگری می‌توان آنها و نقش و اثر آنها را تغییر داد[۱۶].

نگاهی گذرا به چالش نابرابری در تمدن اسلامی؛ از رحلت پیامبر(ص) تا زمان معاصر

بعد از وفات پیامبر(ص) توده مسلمانان از سیره نبوی عدول کرده و به عادات ناپسند جاهلی بازگشتند. چه بسیار رفتارهایی که قرآن و پیامبر(ص) منکوب کرده بودند، اما از نو احیا شده و چون آتش زیر خاکستر شعله‌ور گردید. بازگشت به سیره آباء و اجداد، با کنار زدن وصی و جانشین منصوب پیامبر(ص) آغاز شد و به دیگر سنت‌های جاهلی و قبیله‌ای سرایت یافت و یک به یک، سر از پوستین خود بیرون آوردند، از بارزترین این سنت‌های جاهلی، اعمال تبعیض و کنار نهادن مساوات بود. پس از وفات پیامبر(ص) تا زمامداری امام علی(ع)، به مدت ۲۵ سال سه خلیفه زمام دار امور حکومت اسلامی گردیدند. دوران خلافت خلیفه اول، نقطه شروع تبعیض و چشم پوشی از اصل مساوات و برابری بود، طبری در تاریخ خود گزارش می‌کند: قیس بن عبد یغوث بعد از رحلت پیامبر(ص) در یمن مرتد شد و یکی از فرماندهان مسلمان ایرانی به نام «دادویه» را به قتل رساند، ایرانیان مسلمان یمن و قبیله عک و عقیل به فرماندهی فیروز، قیس بن عبد یغوث و طرفداران اسود عنسی(مدعی نبوت و مقتول به دست فیروز) را هزیمت کردند، قیس اسیر شد، او را در بند کرده به مدینه آوردند، ابوبکر از قصاص وی درگذشت[۱۷].

با شروع دوران خلافت عمر بن خطاب این سیاست شتاب فراوانی گرفت، کتاب‌های تاریخی، سیره و روایی فریقین آکنده از گزارش‌های متنوع راجع به سیاست‌های نژادپرستانه در دوران خلافت خلیفه دوم است؛ تبعیض در تقسیم بیت‌المال، برتری دادن مهاجران بر انصار و انصار بر عرب و عرب بر عجم^۱ در توزیع بیت‌المال، سیاستی بود که برای اولین بار عمر آن را در جامعه اسلامی پایه گذارد[۱۸]. خلیفه دوم ازدواج مردان قریش با زنان عرب و عجم، و ازدواج مردان عرب با زنان عجم را اجازه می‌داد ولی از ازدواج مردان عرب با زنان قریشی، و مردان عجم با زنان عرب منع می‌کرد[۱۹]. او به هیچ یک از عجم اجازه نمی‌داد، بر مدینه داخل شوند[۲۰].

۱- عجم در مقابل عرب استعمال شده و به کسی اطلاق می‌گردید، که عرب نبود[۲۸]

سیاست‌های خلیفه دوم منشوری برای زمامداران پسین به حساب آمد؛ طبری ذیل حوادث سال بیست و چهارم هجری می نویسد: عثمان در نامه ای که برای عموم مردم می نگارد دستیابی به موفقیت را در گرو فرمانبرداری و پیروی می داند و آنان را از به هم آمدن سه امر که به بدعت می گراید، بر حذر می دارد: «تکامل النعم، و بلوغ أولادکم من السبایا، و قراءه الاعراب و الأعاجم القرآن» [۲۱]: «تکامل النعم»: اشاره به رفاه طلبی است، که البته خود عثمان علمدار آن بود، «بلوغ أولادکم من السبایا»: فرزندان می باشند که از زنان اسیرشده ایرانی و رومی متولد می باشند که مبادا جامعه عربی را به فساد بکشند، «قراءه الاعراب و الأعاجم القرآن»: مراد آن است که عرب بادیه و عجمان قرآن بخوانند [۲۲].

پس از پنج سال و اندی حکومت امام علی (ع) (۳۵-۴۰ ق) [۲۳] و به شهادت رسیدن ایشان، و در پی صلح امام حسن (ع)، معاویه - نخستین خلیفه امویان - به قدرت رسید، «معاویه مردی بود که به اتفاق آرای مورخان محقق، ایدئولوژی اسلامی را که تمام نژادها و جوامع و سرزمین‌ها را با برداشت مرزها متحد می ساخت و سیله‌ای در راه زمامداری شخص خود و یا برگرداندن آن به نژادپرستی اولاً و نژاد عرب به وسیله پسرش یزید، خواسته و استخدام کرده است» [۲۴] وی عرب را انسان و غیر عرب را شبه انسان محسوب می کرد [۲۵]. حاکمان پس از معاویه نیز سیاست‌های وی را دنبال کردند تا آن جا که ظلم‌ها و تبعیض‌های بنی امیه به ظهور نهضت شعوبیه در اواخر عصر اموی منجر گردید؛ نهضتی که در ابتدا منادی تساوی بین قومیت‌های گوناگون جامعه اسلامی بود لکن از مسیر خود منحرف شد و طریق دیگری در فخر فروشی و برتری میان قومیت‌ها اتخاذ کرد [۲۶].

در روزگار عباسیان، غیر عرب در پیدایش و جهت دادن تحولات سیاسی نقش اساسی داشتند؛ تحولاتی که در ظهور تعصبات قومی و نژادی که گاه در اندازه‌های مختلف از نظر شدت و ضعف پدید می آمدند، تأثیر روشنی داشته‌اند. همزمان با این تحولات، برای غیر عرب فرصت و مجال اظهار نظر آزادانه پیرامون مسائل تبعیض نژادی و دفاع از اصل برابری بین مردم فراهم شده بود؛ اما تبعیض قومی و دیدگاه نژادی در بسیاری از مواضع و مواقع همچنان نقش خود را ایفا می کرد و در بسیاری از تحولات و رویدادها تأثیر داشت [۲۷].

از این روی از آغاز خلافت بنی عباس تبلیغات شعوبیه علنی تر شد؛ در زمان هارون و مأمون شدت یافت و در قرن سوم هجری به منتهای شدت خود رسید. در عهد عباسی اول - از خلافت سفاح تا پایان عهد معتصم - طرفداران مسلک شعوبیه اکثر ایرانی بودند، با نهایت شور و علاقه مشغول تبلیغ مرام خود بودند و تا حدودی که امکان داشت پیشرفت کرد. از عهد معتصم عباسی به بعد ضدیت با عرب که روح عقاید شعوبیه بود طرفداران بسیار داشت و ترکان نیز در طرفداری این مسلک، کمتر از ایرانیان نبودند [۲۹].

نهضت شعوبیه در نخستین مرحله به مساوات میان عرب و غیر عرب دعوت نمود که با دلایل و تعلیمات اسلامی همراه بود و چون مطابق با ذوق و افکار غیر عرب بود و با اصول و موازین شرعی نیز توافق داشت، پیشرفت زیادی حاصل کرد. اما مرحله دوم؛ دشمنی با جنس عرب بود که با روی کار آمدن عباسیان و نفوذ وزیران ایرانی در دستگاه آنان امکان فعالیت و تبلیغ و پیشرفت برای طرفداران این نهضت به طوری فراهم آمد که از این مرحله هم قدم فراتر گذاشتند. مرحله سوم؛ دشمنی با جنس عرب بود و هر آنچه به عرب منسوب بود، در این مرحله برخی از شعوبیه حتی با دین اسلام که منتسب به عرب است مخالفت کردند و از دایره تعلیمات دین و موازین شرع خارج شدند [۳۰].

نهضت شعوبیه در قرن سوم هجری بی نهایت شدت یافت و عاملی که این نهضت را کمک می کرد، سهل انگاری و تسامح خلفای عباسی بود؛ زیرا آنان نسبت به عرب تعصبی نداشتند، با زندقه و کفر ستیز می کردند ولی چندان کاری به جنبش های شعوبیان نداشتند [۳۱]. دنباله نهضت شعوبیه تا قرن ششم هجری کشیده شد و از آن به بعد حزب شعوبی در سایر احزاب مذهبی و سیاسی مستهلک شد [۳۲].

در اوایل قرن بیستم ناگهان در خلافت اسلامی نهضت های «پان» پدید آمد: پان عربیسم و پان ترکیسم و سپس، پان لیبانیسم، پان ایراکسیم (تکیه بر عراق چهار پنج هزار سال پیش: بابل و سومر و آکاد...) و در مصر، پان کویتیسیم (وحدت قبطی ها در برابر عرب های مصر) و در الجزایر، پان بربریسیم (وحدت بربرها علیه عرب ها) و همه می کوشیدند تا ریشه های تاریخی و فرهنگی خود را به دوره های باستانی پیش از اسلام فروبرند. ترک ها به عصر بیزانس و روم شرقی، مصر به عصر فراعنه، عراق به دوران حمورابی و تمدن بابل و سومر و حتی عرب نیز با تکیه بر شعر جاهلی و تمدن های یمن و عاد و ثمود و نیز تفاخر به عصر اموی که عصر پیروزی عربیت بر روح انسانی اسلامی است [۳۳].

مؤلفه های شکل گیری برابری و مساوات در تمدن نوین اسلامی و جامعه مهدوی (عج)

همان گونه که گذشت تمدن اسلامی با محوریت اصل مساوات شکل گرفت و زیر پا گذاردن این اصل، تمدن اسلامی را به چالش کشانده و با مخاطره مواجه کرد. حال، بی گمان در شکل گیری تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی جامعه مهدوی، این اصل اصیل نقش پر رنگی خواهد داشت.

با مراجعه به قرآن و سنت و جستجوی مؤلفه های شکل گیری اصل برابری و مساوات، در پایه گذاری تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی جامعه مهدوی می توان مؤلفه های ذیل را برداشت کرد: ۱- دعوت جهانی، ۲- همبستگی اجتماعی، ۳- ارزش گذاری بر اساس فضایل اکتسابی و نه فضایل ذاتی، ۴- مواجهه عادلانه و نیکوکارانه با همگان، ۵- پایداری بر محور نیکی و پارسایی، ۶- ارزش گذاردن به دیگران با نهادینه ساختن فرهنگ مشورت.

دعوت جهانی

اولین مؤلفه شکل گیری مساوات در تمدن نوین اسلامی دعوت جهانی به آیین جهان شمول و زمان شمول اسلام است، چرا که قرآن فرورستاده شده تا تمامی قلوب و نفوس را متوجه خود سازد و خود قرآن، این حقیقت را اعلان داشته است. این مقصود گاه با آیاتی محقق شده است که عامه انسان ها مورد خطاب واقع شده اند؛ این قبیل آیات از دو دسته خارج نیستند: یک دسته خطاب های «یا ایها الذین آمنوا» می باشد که مخصوص مؤمنانی است که به پیامبر (ص) گرویده اند و فرقی نمی کند این مؤمنان از کدام قوم و ملت باشند؛ دسته دیگر خطاب های «یا ایها الناس» است که عموم انسان ها در میان می باشد. در هیچ جای قرآن، خطابی به صورت «یا ایها العرب» یا «یا ایها القرشیون» نیامده است [۳۴].

و گاه با آیاتی می باشد که به عمومیت و فراگیری رسالت پیامبر خاتم (ص) اشعار دارند. علامه طباطبایی در تفسیر گران سنگ خود به مناسبت سخن از کیفیت آشکار شدن دعوت قرآن می نویسد: قرآن یک سیر تدریجی منظم در انتخاب مخاطبان خود پیموده است و بی گمان پیامبر (ص) به سوی همه انسان ها برانگیخته شده و امر رسالت هرگز اختصاص به یک قوم و یک مکان و زمان ندارد. خداوند در قرآن خود می فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ» [۳۵]، «وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لَأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» [۳۶]، «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» [۳۷]. تاریخ گویای این واقعیت است که پیامبر (ص)، قوم یهود - که همان بنی اسرائیل باشند - مردمان روم، ایران، حبشه و مصر را که جملگی غیر عرب بودند به دین اسلام دعوت کرد. عده‌ای از مشاهیر چون سلمان از ایران، مؤذن پیامبر (ص) - بلال - از حبشه و صهیب از روم به آن حضرت گرویدند. در آغاز امر حکمت اقتضا می‌کرد دعوت از گروهی آغاز شود و آن گروه، قوم رسول الله (ص) بودند، پس از استقرار و استواری دین در میان آنها، دعوت به دیگر اقوام سریان یابد [۳۸].

و گاه با آیاتی که بر اساس آن‌ها قوم عرب تهدید شده‌اند در صورتی که از اسلام و قرآن روی برگردانند خداوند قومی شایسته‌تر جایگزین آنان می‌کند، آیاتی چند در قرآن بر این حقیقت اشاره دارند: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ» [۳۹]: «و اگر اینان [مشرکان] بدان کفر ورزند، بی‌گمان، گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که بدان کافر نباشند»، «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخِرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا» [۴۰]: «ای مردم، اگر [خدا] بخواهد، شما را [از میان] می‌برد و دیگران را [پدید] می‌آورد، و خدا بر این [کار] تواناست»، «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» [۴۱]: «اگر شما به قرآن پشت کنید، گروهی دیگر جای شما را خواهد گرفت که مانند شما نباشند» [۴۲].

اما طلوع ظهور امام عصر (عج) نیز با دعوت عمومی و جهانی همراه خواهد بود، با الهام از شیوه قرآن در فراخوان عالم گیر این نهضت عظیم جهانی، تمام انسان‌ها، مخاطب قائم آل محمد (ص) خواهند بود. روایات دال بر این حقیقت دو دسته اند؛ دسته اول احادیثی هستند که به دعوت همه اقوام و مردم اشاره دارند؛ چنان که در حدیث بلندی از امام باقر (ع) آمده است که قائم (ع) از مکه ظهور می‌کند و تکیه به بیت الحرام داده و در پناه آن ندا سر دهد: ای مردم! يَا أَيُّهَا النَّاسُ، ما از خداوند طلب یاری کنیم و هر یک از شما مردم، ما را اجابت کرد، بدانند که ما اهل بیت پیامبر شما هستیم [۴۳]، نیز از امام باقر (ع) روایت شده است که از نشانه‌های حتمی ظهور آن است که در ابتدای روز ندا دهنده‌ای از آسمان ندایی دهد که همه اقوام با هر زبانی آن را می‌شنوند [۴۴].

دسته دوم، روایات فراوانی می‌باشند که بیان می‌دارند چون قائم (ع) قیام می‌کند نسبت به عرب سخت‌گیری کرده و با شدت با آن‌ها برخورد خواهد کرد [۴۵]. بنابراین، امام عصر (ع) به مصادره هیچ قوم و ملتی در نخواهد آمد و با دعوت جهانی خود همه اقوام و ملل و ادیان را به نهضت الهی خود فرا خواهد خواند.

همبستگی اجتماعی

بی‌گمان یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری مساوات در هر جامعه‌ای وجود اتحاد و انسجام میان افراد آن جامعه می‌باشد؛ قرآن یاد آور می‌گردد که مسلمانان بلکه همه پیروان فرستادگان خداوند امت واحدی هستند و آنان را سزاست که بر مدار عبودیت و تقوا گام بردارند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» [۴۶]، «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» [۴۷]، همچنین قرآن مؤمنان را برادر یکدیگر دانسته و به اصلاح و رفع اختلاف میان آنان امر کرده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» [۴۸].

با نزول آیه اخیر: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، پیامبر (ص) میان مسلمانان عقد اخوت برقرار کرد [۴۹]. پیامبر (ص) دو به دو میان میان نژادهای گوناگون پیوند برادری منعقد کرد، ایشان میان سلمان فارسی و ابو دردای عرب، بین بلال سیاه‌پوست و ابوریحه خثعمی سفیدپوست و میان حمزه - عموی پیامبر (ص) - و زید بن حارثه - برده سابق - عقد اخوت برقرار ساخت [۵۰]. افراد

یادشده هیچ پیوند نسبی و نژادی و قومی با یکدیگر نداشتند و همانندی و هم قطاری آنان صرفاً در معیارهای روحی و فضایل اخلاقی بوده است چنان که از نوع پیوندها نمایان است، از این روی همبستگی اجتماعی تأثیری بسزا در شکل گیری مساوات ایفا خواهد کرد.

قرآن برای حفظ یکپارچگی مسلمانان و بازداشتن از گسست میان آنان، نسبت به پراکندگی هشدار داده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» [۵۱]. اسلام حبل و ریسمان خداوندی (حَبْلُ اللَّهِ) است که سبب یکپارچگی است و از عوامل پراکندگی («وَلَا تَفَرَّقُوا»): تعصبات فردی، خانوادگی، قومی، نژادی، ملی و جغرافیایی شکاف عمیق میان مسلمانان است [۵۲].

در طلیعه ظهور مهدوی (عج) نیز یکپارچگی و همبستگی شگفت آوری رخ خواهد داد، به طوری که تا پیش از آن، بشریت در طول تاریخ حیاتش، چنین انسجامی را به خود ندیده است، در تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» [۵۳]، از ابن عباس - صحابی ممتاز رسول خدا(ص) - نقل شده است که در زمان قیام قائم است که هیچ یهودی، مسیحی و صاحب دینی نماند مگر آن که اسلام را اختیار کند [۵۴]. گسترش اسلام و فراگیر شدن آن به معنای ایجاد همبستگی تحت لوای برابری و مساوات خواهد بود.

شهید مطهری در این ارتباط می نویسد: «کوشش کنید فکر خودتان را در مسأله حضرت حجت با آنچه که در متن اسلام آمده تطبیق بدهید. غالب ما این مسأله را به صورت یک آرزوی کودکانه یک آدمی که دچار عقده و انتقام است درآورده ایم. گویی حضرت حجت فقط انتظار دارند که کی خداوند تبارک و تعالی به ایشان اجازه بدهند که مثلاً بیایند ما مردم ایران را غرق در سعادت کنند یا شیعه را غرق در سعادت کنند، آن هم شیعه‌ای که ما هستیم که شیعه نیستیم. نه، این یک فلسفه بزرگ جهانی است، چون اسلام یک دین جهانی است، چون تشیع به معنی واقعی‌اش یک امر جهانی است. این را ما باید به صورت یک فلسفه بزرگ جهانی تلقی کنیم. وقتی قرآن می‌گوید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» [۵۵] صحبت از زمین است، نه صحبت از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد» [۵۶].

ارزش‌گذاری بر اساس فضایل اکتسابی و نه فضایل ذاتی

در جوامع انسانی غالباً امتیازاتی چون: نژاد، رنگ پوست، استعدادهای ذاتی، ملیت و غیره معیار ارزش‌گذاری می‌باشد اما قرآن تنها معیار حقیقی سنجش ارزش انسان‌ها را تقوا معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» [۵۷].

قرآن کریم برای اینکه اثبات کند که رنگ، نژاد، نسب، قومیت و ملیت ملاک و معیار فضیلت انسان‌ها بر یکدیگر نمی‌باشد، آن‌ها را اموری قراردادی و اعتباری می‌داند و تحقق عینی این قرارداد و اعتبار در روز قیامت بر همگان آشکار می‌شود: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ» [۵۸].

در نهضت جهانی امام عصر (عج)، یاوران ایشان از قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون هستند؛ سید بن طاووس در کتاب ملاحم خود روایتی بلند از امیرمؤمنان (ع) نقل می‌کند که برابر آن اصحاب امام عصر (ع)، سیصد و سیزده نفر از مشرق و مغرب عالم و

۱- تا اسلام را بر هر چه دین است پیروز گردانند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

۲- «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ملت و قبیله‌قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است».

گرد آمده و ترکیبی از سرزمین‌ها و اقوام متنوع می‌باشند و ملاک حضور آنان فضائل و ویژگی‌های روحی و اخلاقی بوده است [۵۹]. از امام باقر(ع) نیز نقل شده است: اصحاب قائم(ع) سیصد و سیزده نفرند و برخی از آنان، عجم می‌باشند [۶۰]. این روایت گویای این حقیقت است که ملاک امام عصر(ع)، زبان یا خون و نژاد نمی‌باشد، زیرا در این صورت غیر عرب را در میان یارانش نمی‌پذیرفت [۶۱].

بر اساس همین اصل فضیلت محوری است که در عصر ظهور، هیچ مسلمانی نباید در یوغ بردگی و اسارت باشد و لذا امام عصر(عج)، هر برده مسلمانی را خریداری کرده و آزاد خواهد ساخت [۶۲].

مواجهه عادلانه و نیکوکارانه با همگان

قرآن ادای امانت به اهلش و حکم کردن بر اساس عدل میان مردم - از هر نژاد و دینی - را بر همگان لازم دانسته است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» [۶۳].

فراتر از عدل ورزیدن، نیکی کردن حتی به غیر مسلمانانی که سر ستیز با جامعه اسلامی ندارند، مورد سفارش قرآن است؛ چنان که در آیه هشتم سوره ممتحنه از عدالت پیشگی و نیک ورزی با کافران غیر حربی سخن به میان آمده است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» [۶۴].

بر اساس همین منطق قرآن است که امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر، مردمان را از دو گروه خارج نمی‌داند؛ یا برادران دینی هستند و یا انسانی نظیر وی. از همین رو هر دو دسته باید مشمول لطف و رحمت قرار گیرند [۶۵]، در سیره رسول خدا(ص) نقل شده است که جنازه یکی از یهودیان در حال تشییع بود پیامبر(ص) از جای خود برخاست، به ایشان گفته شد: این جنازه یک یهودی است، ایشان در پاسخ می‌فرماید: آیا او انسان نیست؟ [۶۶].

در عصر ظهور نیز امام عصر(عج) دستورات قرآن را سرلوحه برنامه‌های اصلاحی خویش قرار داده و سیره اجدادش را در پیش خواهد گرفت، چنان که از امام باقر(ع) مروی است که چون قائم(ع) قیام کند اموال را مساوی تقسیم کرده و در میان مخلوقات خداوند رحمان، نیک باشند یا فاجر، عدالت پیشه کند، به سنت رسول خدا(ص) عمل می‌کند و زمین را پس از آن که از ظلم، ستم و بدی پُر شده است از دادگری، عدالت و نور پُر کند [۶۷] و نیز از ایشان نقل شده است: هنگامی که قائم(ع) قیام کند و در دوران حکومتش ستم ریشه کن گردد و راه‌ها ایمن گردد و زمین برکاتش را خارج کند [۶۸].

پایمردی بر محور نیکی و پارسایی

قرآن پایمردی و یاری رسانی امت اسلامی را بر محور «نیکی و پارسایی» پذیرفته و هر گونه همکاری و یاری‌رسانی و تعامل را بر اساس «بدکاری و افزون جویی» مطرود می‌داند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» [۶۹].

۱- «خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند [قرآن] می‌دهد. خدا شنوای بینا است.»

۲- «خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.»

۳- «و در نیکو کاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.»

پیامبر(ص) در پرتو تعالیم قرآن ضرب المثل معروف دوران جاهلیت: «أنصر أخاک ظالماً أو مظلوماً» را چنین بازتعریف کردند: «لینصر الرجل أخاه ظالماً أو مظلوماً؛ إن كان ظالماً فلینهه فانه له نصر و إن كان مظلوماً فلینصره» [۷۰]: «انسان باید برادرش را، ظالم باشد و یا مظلوم، یاری رساند؛ بدین صورت که اگر ظالم است او را از ظلمش بازدارد که این پشتیبانی اوست و اگر که مظلوم است به فریادش رسد».

در نهضت عالم گیر مهدوی، چون سیصد و سیزده تن اصحاب گرد امام مهدی(ع) جمع آیند، امام(ع) بر رعایت چهل ویژگی اخلاقی با آنان بیعت می کند و در مقابل امام(ع) بر خود ده چیز را شرط می کند؛ اصحاب بیعت می کنند که: دزدی نکنند، دامن به زنا نیالایند، قتل نکنند، حرمتی را نشکنند، مسلمانی را دشنام نگویند، بر خانه ای هجوم نبرند، جز به حق کسی را نزنند، مرکب راهوار سوار نشوند، فریفته ثروت نگردد، لباس نرم و نازک به تن نمی کنند، جامه حریر نپوشند و ... امام عصر(ع) نیز بر خود شرط می کند، از جمله آن شروط این است که به اندک رضایت دهد، زمین را - پس از آن که از ستم پُر شده است - از عدالت پُر کند و خداوند را چنان که سزاوار است بندگی می کند [۷۱]. آن چه که در این معاهده دو طرفه جهت برقراری حکومت عدل جهانی به شدت نمایان است، تعهد بر همکاری طرفین بر اساس تقوا و نیکی می باشد و اجتناب از دخالت دادن نژاد، قومیت و ملیت است.

ارزش‌گذاران به دیگران با نهادینه ساختن فرهنگ مشورت

خداوند در سوره شوری طی آیات ۳۶ تا ۳۹ هشت صفت برای مؤمنان برمی شمارد، برخی از این ویژگی ها ناظر بر اخلاق اجتماعی و در تعامل با دیگران می باشد؛ از جمله آن ها مشورت است: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» [۷۲]. ممکن است چنین توهم شود که معدود افرادی که برخوردار از نژاد و ملیت برتر هستند استوارتر از دیگران تدبیر امور می کنند، اما مطالعه سیره پیامبر(ص)، مجالی برای این توهم باقی نمی گذارد. در جنگ احزاب چون اتخاذ راهبرد نظامی برای مقابله با جبهه کفر، به مشورت گذاشته شد، تدبیر سلمان فارسی - که مسلمانی غیر عرب و از نژاد عجم بود- به تصویب رسیده و در نهایت مسلمانان بر کافران فائق آمدند [۷۳].

همان گونه که پیامبر(ص) در برخی امور با اصحاب خود مشورت می کرد، امام عصر(عج) نیز چنین خواهد کرد و در بعضی امور با یاران خود به مشورت خواهد کرد [۷۴]، از محیی الدین عربی در این باره گزارش شده است که خداوند متعال گروهی را - که آنان را در خزانه غیبش پنهان داشته و حق را بر ایشان آشکار ساخته است - وزرای مهدی(ع) قرار می دهد، آنان از عجم هستند و میان آنان عرب وجود ندارد، اما جز به زبان عربی سخن نگویند. مهدی(ع) با نظر خود هیچ کار صورت ندهد و تنها با این وزرا مشورت می کند، آنان عارفان به مسائل هستند [۷۵].

بحث و نتیجه گیری

یافته های تحقیق حکایت از آن دارند که تمدن های بشری، همواره با چالش مهم، نابرابری و تبعیض مواجه بودند و چه بسا یکی از عمده دلایل سقوط آن ها، بی توجهی به آن بوده است، اما اسلام با ظهورش، با نگاهی الهی، اصل مساوات را سرلوحه برنامه های انسان ساز خود قرار داد و توانست در مدت کوتاهی، تمدنی بزرگ را رقم زند. اگرچه اندکی پس از رحلت رسول

۱- «و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند».

اسلام، این اصل مورد بی مهری اغلب خلفا و دولت های اسلامی قرار گرفت، مع ذلک وجدان های بیدار همواره میان رفتار حاکمان و آموزه های اسلامی تفکیک قائل شده اند، در حالی که وضعیت دنیای امروز و تحولات شگفت آور و روز به روز آن، ضرورت برپایی تمدن نوین اسلامی را اقتضا دارد، بی شک در شکل گیری آن احیای بایسته اصل مساوات و برابری - بسان آن چه که در بدو اسلام رخ داده است - نقشی مهم ایفا کرده و زمینه ساز جامعه مهدوی (عج) نیز خواهد بود. با الهام از آموزه های تقلین می توان مؤلفه های مساوات را نظیر به نظیر در تمدن نوین اسلامی و جامعه مهدوی (عج) احصا کرد، این مؤلفه ها عبارتند از: ۱- دعوت جهانی، ۲- همبستگی اجتماعی، ۳- ارزش گذاری بر اساس فضایل اکتسابی و نه فضایل ذاتی، ۴- مواجهه عادلانه و نیکوکارانه با همگان، ۵- پایمردی بر محور نیکی و پارسایی، ۶- ارزش گذاردن به دیگران با نهادینه ساختن فرهنگ مشورت.

منابع

۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). جامعه و تاریخ. تهران: صدرا. ص ۴۰
۲. _____ (بی تا). فلسفه تاریخ. تهران: صدرا. ج ۲، ص ۳۲ و ۳۳
۳. حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۱). اسلام و تبعیضات نژادی. تهران: شرکت سهامی انتشار. صص ۳۲-۳۳
۴. حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۱). اسلام و تبعیضات نژادی. تهران: شرکت سهامی انتشار. ص ۳۴
۵. مطهری، مرتضی (بی تا). فلسفه تاریخ. تهران: صدرا. ج ۲، ص ۱۸۱
۶. حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۱). اسلام و تبعیضات نژادی. تهران: شرکت سهامی انتشار. ص ۳۴
۷. حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۱). اسلام و تبعیضات نژادی. تهران: شرکت سهامی انتشار. ص ۳۲
۸. بایر ناس، جان (۱۳۸۲). تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت. تهران: چاپ سهند. ص ۱۴۶
۹. شبلی، احمد (۱۹۷۳). مقارنه الادیان؛ الاسلام. بی جا: بی نا. ص ۱۷۸
۱۰. رواسانی، شاپور (بی تا). نادرستی فرضیه های نژادی آریا، سامی و ترک. تهران: اطلاعات. ص ۲۳
۱۱. رواسانی، شاپور (بی تا). نادرستی فرضیه های نژادی آریا، سامی و ترک. تهران: اطلاعات. صص ۶۲ - ۶۳
۱۲. امین، احمد (بی تا). ضحی الاسلام. بیروت: دارالکتب العربی. ج ۱، ص ۱۷
۱۳. میدانی، احمد بن محمد میدانی نیشابوری (۱۳۶۶). مجمع الامثال. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی. ص ۲۹۷
۱۴. شهرستانی، سیدعلی (۱۴۲۰). السنه بعد الرسول (ص). مجله تراثنا. ج ۵۷، ص ۸۰
۱۵. بایر ناس، جان (۱۳۸۲). تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت. تهران: چاپ سهند. ص ۱۴۶
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا. صص ۲۲ و ۲۳
۱۷. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک). بیروت، دار التراث. ج ۳، صص ۳۲۳-۳۲۹
۱۸. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی تا). المغنی. بیروت: دارالکتب العربی. ج ۷، صص ۳۱۰
۱۹. ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد موسی بن الامام الجواد (بی تا). الاستغاثه. بی جا: بی نا. ج ۱، صص ۴۴-۴۵
۲۰. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۴). مروج الذهب و معادن الجواهر. قم: دار الهجرة. ج ۲، ص ۳۲۰
۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک). بیروت: دار التراث. ج ۴، ص ۲۴۵
۲۲. جعفریان، رسول (۱۳۷۴). تاریخ سیاسی اسلام (۲): تاریخ خلفا. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ج ۲، ص ۳۸۸

۲۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بیروت: دارالمفید. ج ۱، صص ۹-۱۰.
۲۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ج ۲۶، ص ۱۹۲
۲۵. جلالی، سید محمدرضا (۱۴۱۸). جهاد الامام السجاد. بی‌جا: دارالحدیث. ص ۱۳۶.
۲۶. ساعدی، حسین (۱۳۸۳). المعلی بن خنیس. قم: دارالحدیث. ص ۲۳
۲۷. مرتضی عاملی، سیدجعفر (۱۳۷۹). سلمان فارسی، مترجم سیدمحمد حسینی. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ص ۱۲۸
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. ایران: موسسه دارالبحره. ج ۱، ص ۲۳۷
۲۹. ممتحن، حسینعلی (۱۳۶۸). نهضت شعوبیه: جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی. بی‌جا: باورداران. ص ۶.
۳۰. ممتحن، حسینعلی (۱۳۶۸). نهضت شعوبیه: جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی. بی‌جا: باورداران. ص ۲۵۸
۳۱. ممتحن، حسینعلی (۱۳۶۸). نهضت شعوبیه: جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی. بی‌جا: باورداران. ص ۲۹۹.
۳۲. ممتحن، حسینعلی (۱۳۶۸). نهضت شعوبیه: جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی. بی‌جا: باورداران. ص ۷ و ۲۸۳
۳۳. شریعی، علی (۱۳۸۴). تشیع علوی و تشیع صفوی. تهران: انتشارات چاپخش و بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعی، ص ۱۰۴
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا. ص ۶۳
۳۵. الاعراف، ۱۵۸
۳۶. الانعام، ۱۹
۳۷. الانبیاء، ۱۰۷
۳۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ج ۴، ص ۱۵۹ و ۱۶۰
۳۹. الانعام، ۸۹
۴۰. النساء، ۱۳۳
۴۱. محمد، ۳۸
۴۲. برای توضیحات بیشتر درباره این آیات و این مبحث، رجوع کنید: مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا. صص ۶۳ - ۶۴
۴۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الإختصاص. قم: المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید. ص ۲۵۶
۴۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). کتاب الغیبة للحجة. قم: دار المعارف الإسلامیة. ص ۴۳۵
۴۵. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم نعمانی (۱۳۹۷). الغیبة. تهران: نشر صدوق. صص ۱۹۴، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۵۵، ۲۶۳ و ۳۱۹
۴۶. الانبیاء: ۹۲
۴۷. المؤمنون، ۵۲
۴۸. الحجرات، ۱۰
۴۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴). الأمالی. قم: دارالثقافة. ص ۵۸۷
۵۰. ابن عبدالبر (بی‌تا)، الدرر فی اختصار المغازی والسير. بی‌جا: بی‌نا. صص ۹۱-۹۲
۵۱. آل عمران: ۱۰۳
۵۲. فضل الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر. ج ۶، ص ۱۹۲
۵۳. التوبة: ۳۳؛ الصف: ۹

۵۴. استرآبادی، علی (۱۴۰۹). تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي. ص ۶۶۳
۵۵. الانبياء: ۱۰۵
۵۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). سیری در سیره ائمه اطهار(ع). تهران: صدرا. ص: ۱۸۰-۱۸۱
۵۷. الحجرات: ۱۳
۵۸. المؤمنون: ۱۰۱
۵۹. رك: ابن طاووس، علی بن موسى (۱۴۱۶). التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن. قم: مؤسسه صاحب الأمر. ص: ۲۸۸-۲۹۷
۶۰. ابن أبی زینب، محمد بن ابراهیم نعمانی (۱۳۹۷). الغيبة، تهران: نشر صدوق. ص ۳۱۵
۶۱. صدر، سید محمد (۱۴۱۲). تاریخ الغيبة. بیروت: دار التعارف. ج ۳، ص ۸۵
۶۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیاشی. تهران: المطبعة العلمية. ج ۱، ص ۶۶
۶۳. النساء: ۵۸
۶۴. الممتحنه: ۸
۶۵. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه، شرح: صبحی صالح، محقق: فیض الإسلام. قم: هجرت. ص ۴۲۷
۶۶. بخاری، محمد بن إسماعیل (۱۴۰۱). الصحيح. بیروت: دار الفكر. ج ۲، ص ۸۷
۶۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه. ص ۴۶۲
۶۸. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵ ق). علل الشرائع. النجف: منشورات المكتبة الحیدریة. ج ۱، ص ۱۶۱
۶۹. المائدة: ۲
۷۰. ابن حنبل، أحمد بن محمد بن حنبل الشیبانی (بی تا). المسند. بیروت: دار صادر. ج ۳، ص ۳۲۴
۷۱. رك: ابن طاووس، علی بن موسى (۱۴۱۶). التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن. قم: مؤسسه صاحب الأمر. صص ۲۸۸-۲۹۷
۷۲. الشوری: ۳۸
۷۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو. ج ۸، ص ۵۳۳
۷۴. صدر، سید محمد (۱۴۱۲). تاریخ الغيبة، بیروت: دار التعارف. ج ۳، ص ۲۹۲
۷۵. قاضی نور الله، نور الله بن شریف الدین شوشتری (۱۴۰۹ ق). احقاق الحق وازهاق الباطل. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. ج ۱۹، ص ۶۳۸-۶۳۹